


An Analytical Study on the Lady Fatima's Quotations from the Social Verses of the Qur'an in the Fadakiyyah Sermon

Asghar Tahmasebi Baldaji¹ 

1. Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Literature, Shahr-e-Kurd University, Shahr-e-Kurd, Iran, tahmasebiasghar@yahoo.com

Abstract

The Sermon of Fadakiyyah is one of the most important socio-political sermons delivered by Fatima Al-Zahra (AS) after the decease of the Prophet (PBUH), warning against the diseases that afflict the body of the Islamic society. The most important feature of the Fadakiyyah Sermon is that it shows the social deviations after the Prophet (PBUH) by quoting verses from the Holy Qur'an. This research conducted an analytical study on the Lady Fatima's quotations from the social verses of the Holy Qur'an in the Fadakiyyah Sermon, using the descriptive-analytical method and library sources. Fatima (AS) explained these deviations by quoting verses of the Holy Qur'an from two aspects, negative and positive. As for the negative aspect, she presented to people examples of the deviations of the Islamic society through quotations from the verses of the Qur'an. On the positive aspect, she referred to the desired characteristics of the faith community, and explained its examples through quotations from the verses of the Qur'an so that people can take them as role models. The most important results of this article can be listed as follows: Fatimah (AS) deals with the social issues of the Islamic society by quoting verses of the Qur'an from four aspects.

In the first aspect, she points out the truth of social monotheism and explains the truth of Islam and warns people against calling for superficial Islam by mere words without action. In this regard, by quoting verses of the Qur'an, she points out that the reason for the deviation of some individuals and their disobedience to the Qur'an and the Sunnah of the Prophet is their failure to fully submit to God and to observe the right of divine piety. In the second aspect, she deals with the social harms that occurred after the Prophet's demise and warns people against them. In fact, by drawing a thematic similarity between the deviations after and before his demise, she makes people perceptibly and objectively familiar with the harms that occurred so that they can confront those deviations. In the third aspect, she sets a model by referring to the Prophet's struggles and the importance of his mission in building an Islamic society and fighting polytheism and idolatry. By partially and variedly quoting these verses of the Qur'an, she expresses the Prophet's mission of building a society and purifying it from harm and deviations. In the fourth aspect, she refers to the characteristics of the exaltation and prosperity of society and expresses their importance and purpose for the health and prosperity of society. Among the social issues of the Qur'an that she expresses are: the philosophy of Zakat in purifying the souls and property of believers and removing poverty from society, justice and peace in society, the importance of Jihad in defending Islam and the honor of Muslims, enjoining good for the benefit of society, as well as preserving self-esteem and respecting the personality and reputation of believers.

KEYWORDS: Social verses, Lady Fatima (AS), Fadakiyyah Sermon, Islamic Society

Received: 2024-04-26 | Received in revised form: 2024-09-03 | Accepted: 2024-09-15 | Published online: 2024-09-22

◆ How to cite: Tahmasebi Baldaji, Asghar(1403SH): "An Analytical Study on the Lady Fatima's Quotations from the Social Verses of the Qur'an in the Fadakiyyah Sermon", *quran and social sciences*, 4(15), p46-73, [10.22034/arq.2024.212249](https://doi.org/10.22034/arq.2024.212249)

©The Author(s). Article type: Research Article Published by: University of Holy Quran Sciences and Education



بررسی اقتباسات حضرت فاطمه از آیات اجتماعی قرآن در خطبه فدکیه

اصغر طهماسبی بلداجی^۱ ID

۱. استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده ادبیات، دانشگاه شهر کرد، شهر کرد، ایران، tahmasebiasghar@yahoo.com

چکیده

خطبه فدکیه از مهم‌ترین خطبه‌های سیاسی-اجتماعی پس از رحلت پیامبر است که در جهت آسیب شناسی جامعه اسلامی از سوی حضرت فاطمه ایراد شده است. مهم‌ترین شاخصه خطبه فدکیه این است که انحرافات اجتماعی پس از رحلت پیامبر را با اقتباس از آیات قرآن بیان نموده است. این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی از نوع کتابخانه‌ای با تأکید بر خطبه فدکیه، اقتباسات حضرت فاطمه از آیات اجتماعی قرآن را مورد تحلیل و بررسی قرار داده است. حضرت فاطمه با اقتباس از آیات قرآن با دو رویکرد سلبی و ایجابی به مقابله با این انحرافات پرداخته است. در رویکرد سلبی مصادیق انحرافات جامعه اسلامی را بیان می‌نماید و با اقتباس از آیات قرآن مصادیق این انحرافات را برای مردم تبیین می‌کند. در رویکرد ایجابی به شاخصه‌های جامعه ایمانی مطلوب اشاره نموده و با اقتباس از آیات قرآن، مصادیق جامعه ایمانی مطلوب را تبیین می‌نماید تا مردم آن را الگو قرار دهند. نتیجه آن که حضرت فاطمه در خطبه فدکیه با اقتباس‌های متعدد از قرآن با تأکید بر مهم‌ترین آیاتی که مرتبط با جامعه اسلامی بوده، در چهار رویکرد به اصلاح ارزش‌ها و مبارزه با انحرافات اجتماعی پرداخته است. در رویکرد اول به تبیین توحید اجتماعی پرداخته‌است به این معنا که مؤمنان باید در همه شرایط تسلیم خداوند باشند. در رویکرد مقابله با انحرافات اجتماعی نیز به انحرافات که پس از رحلت پیش آمده اشاره می‌نماید و مردم را از این انحرافات برحذر می‌دارد. در رویکرد سوم با ارائه الگوهای ایمانی در جامعه پس از رحلت پیامبر، مردم را متوجه مجاهدت‌های پیامبر و لزوم الگو گیری از ایشان می‌نماید؛ همچنین جایگاه اهل بیت ایشان در نظم و انسجام جامعه را متذکر می‌شود و در رویکرد چهارم شاخصه‌های جامعه ایمانی مطلوب را در ابعاد مختلف بیان می‌نماید.

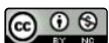
کلیدواژه‌ها: آیات اجتماعی، حضرت فاطمه، خطبه فدکیه، جامعه اسلامی.



پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۷ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۶/۱۳ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۵ | تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۰۷/۰۱

استاد به این مقاله: طهماسبی بلداجی، اصغر (۱۴۰۳): «بررسی اقتباسات حضرت فاطمه از آیات اجتماعی قرآن در خطبه فدکیه»، *قرآن و علوم اجتماعی*، ۴ (۱۵)، ۷۳-۴۶. [10.22034/arq.2024.212249](https://doi.org/10.22034/arq.2024.212249)



۱. مقدمه

مقام و منزلت سرور زنان عالم تا آنجاست که خداوند با رضایت ایشان جشنود و از خشم ایشان خشمگین می‌شود (بخاری، ۱۴۰۱ ق، ۵: ۲۱؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ ق، ۳: ۱۵۳؛ طبرسی، ۱۴۰۳، ۲: ۳۵۴) و این نهایت مقام و منزلت ایشان را می‌رساند که قول و فعل و تقریر ایشان حجت و عصمت است؛ زیرا در حدیث نبوی، رضایت و غضب حضرت فاطمه مطلق بیان شده و مقید نگردیده که این مهم، این نکته را بیان می‌دارد که قول و فعل و تقریر ایشان در همه حالات همان گونه‌ای است که خداوند می‌خواهد و این به معنای عصمت ایشان است. حضرت فاطمه (س) سراسر زندگی خویش را در راه قرآن و عمل به قرآن وقف نمود و به خاطر عمل به قرآن بود که بعد از رحلت پیامبر اکرم و بروز جریانات سیاسی که برخلاف دستورات قرآن شکل گرفت، ایشان در دفاع از حق و حقیقت و عمل به دستورات قرآن با رویکردی قرآن محور و نمونه‌ای از جدال احسن که قرآن به آن دستور می‌دهد با کسانی که برخلاف قرآن و دستورات قرآن عمل نموده بودند به احتجاج برخاست و از حق، دفاع کرد. ویژگی مهم و قابل تأمل تجلیات قرآنی در خطبه فدکیه این است که علاوه بر اقتباس آیات قرآن، تفسیر و مراد وحی را نیز روشن می‌سازد تا مخاطب علاوه بر سوق دهی به وحی الهی، مفهوم حقیقی آن را نیز دریابد. سؤال اصلی در این باره این است که اقتباسات قرآنی حضرت فاطمه دارای چه ابعادی از زندگی مسلمانان و جامعه اسلامی بوده که حضرت جهت تبیین و تأکید، آن آیات را به صورت صریح یا غیرصریح اقتباس نموده است؟

در این باره پژوهش‌هایی به صورت مختصر در قالب مقاله انجام شده است که با وجود ارزشمند بودن این پژوهش‌ها، به صورت گذرا و اجمالی به برخی از اقتباسات اشاره شده است. در پژوهشی با عنوان «کارکرد تفسیری اقتباس‌های قرآنی خطبه‌های حضرت زهرا» (فتاحی زاده، معتمد لنگرودی، ۱۳۹۵) صرفاً برخی از اقتباسات قرآنی در خطبه فدکیه مورد بررسی قرار گرفته است و آیات مرتبط با این اقتباسات، استخراج شده است. بیشتر این پژوهش بر محور استخراج اقتباسات

قرآنی در خطبه فدکیه و گونه شناسی آن‌ها بوده است. در پژوهش دیگر با عنوان «روابط بینامتنی خطبه فدکیه با قرآن» (فتاحی زاده، افسردیر، ۱۳۹۵) به کارکردهای تفسیری اقتباسات قرآنی حضرت فاطمه پرداخته شده است؛ به این صورت که اقتباسات قرآنی خطبه فدکیه، چه کمک و نقشی در تفسیر آیات قرآن دارند و چگونه می‌توان از آن‌ها در تفسیر قرآن بهره برد؛ اما این پژوهش متمایز از پژوهش‌های پیشین نگاشته شده است بدین صورت که **اولاً**: اقتباسات مرتبط با آیات اجتماعی را استخراج و ضمن گونه شناسی آن‌ها، به تبیین و تحلیل تفسیری آن پرداخته است؛ به عبارت دیگر صرفاً اشاره به مورد اقتباس نبوده است بلکه علاوه بر اشاره به اقتباس مورد نظر، علت اقتباس نیز تحلیل و بررسی شده است تا برای مخاطب این نکته مهم مشهود شود که کوچک‌ترین اقتباس نیز در این خطبه مبارک، بر اساس دلیل و منطق و علم گسترده گوینده خطبه صورت گرفته است. **ثانیاً**: رویکردشناسی این اقتباسات مورد تحلیل قرار گرفته است که در این رویکرد، آسیب‌شناسی جامعه اسلامی با محوریت انحرافات پیش آمده پس از پیامبر صورت گرفته است؛ **ثالثاً**: غایت شناسی اقتباسات قرآنی در تبیین شاخصه‌های جامعه صالح و الهی را بیان نموده است که می‌توان با تأسی به آن‌ها در تحقق جامعه ایمانی کوشش نمود.

۲. مفهوم شناسی

مفهوم اقتباس: اقتباس از ریشه «ق-ب-س» است که در کتب لغت معانی متعدد و نزدیک به هم درباره آن بیان شده است؛ به عنوان نمونه لغت شناسان گرفتن شعله کوچک آتش از آتش بزرگ را اقتباس می‌گویند (فراهیدی، ۱۴۱۴ ق، ۵: ۱۶). صاحب کتاب *جمهرة اللغة* علاوه بر گرفتن شعله آتش، گرفتن علم را نیز از مصادیق اقتباس بیان می‌کند (ابن درید، ۱۹۷۸ م، ۱: ۳۳) جوهری نیز همین تعریف را بیان می‌کند (جوهری، ۱۴۰۷ ق، ۳: ۶۰). برخی دیگر نیز معنای ظاهری این کلمه را حمل بر مجاز نموده و اقتباس را در بهره‌گیری از علم و خیر نیز اطلاق نموده‌اند (زمخشری، ۱۹۷۷ م، ۲: ۴۷). آنچه در معنای لغوی

اقتباس بیان شده، همان بهره‌گیری و گرفتن است که هم بر معنای حقیقی قابل حمل است و هم مصادیق مجازی و معنوی را نیز در برمی‌گیرد. در تعریف اصطلاحی اقتباس قرآنی نیز این گونه آمده است که: اقتباس، بهره‌گیری کلام چه نظم و نثر از قرآن است (جرجانی، بی تا: ۱۴). برای اقتباس، با توجه به نوع و شکل بهره‌گیری از آن در کلام، اقسام متعدد قابل بیان است. اقتباس کامل: در این اقتباس، الفاظ و عبارات بدون تغییر و همان گونه که در متن است، آورده می‌شود. شاخص اصلی اقتباس این است که گوینده، متن اقتباس شده را بدون هیچ دخل و تصرفی در کلام خود می‌آورد.

اقتباس جزئی: در این اقتباس، قسمتی از الفاظ و عبارت‌های قرآن آورده می‌شود. این نوع از اقتباس، فراوان‌ترین نوع اقتباس در آثار ادبی است. اقتباس متغیر: در این اقتباس، گوینده کلام عبارت اقتباس شده را تغییر می‌دهد و در قالب عبارت جدید بیان می‌کند. اقتباس محتوایی: در این نوع اقتباس، معنا و مفهوم یک آیه و آیات در قالب الفاظ جدید بیان می‌شود. مهم‌ترین فایده اقتباس این است که کلام گوینده، با اقتباس بلیغ‌تر، فصیح‌تر و متقن‌تر می‌شود؛ چه این که این صفت بلاغی و ادبی در خطبه‌ها و مواعظ و سخنان حکمت‌آمیز و نصیحت و ارشاد بسیار کارساز است و اقتباس از کلام خدا و رسول خدا باعث تأثیر بیشتر کلام در جان‌ها می‌شود (المیدانی، ۱۴۱۶ ق، ۲: ۵۳۷).

مفهوم شناسی آیات اجتماعی قرآن: انسان موجودی اجتماعی بوده و حضور در اجتماع یکی از نیازهای اساسی وی است. دین اسلام تنها دینی است که با صراحت پایه بنای دعوت خود را روی اجتماع گذاشته و در هیچ‌یک از شئون خود، امر اجتماع را به اهمال واگذار نکرده است. اسلام همه احکام خود را در قالب اجتماع ریخته و روح اجتماع را در همه این احکام تا آخرین حد ممکن دمیده است (طباطبایی، بی تا: ۸). بر همین اساس جهت تعالی جامعه و سوق دادن آن به سوی کمال و سعادت دنیوی و اخروی مواردی را بیان داشته است. قرآن کریم همانگونه که برای افراد قائل به عمر، وجود، شعور و فهم است برای اجتماع نیز همین نظر را دارد. در همین راستا همان عنایتی را

به داستان و تاریخ امت‌ها دارد که نسبت به اشخص قائل است چه بسا که توجه بیشتری به تاریخ امت‌ها دارد. به همین جهت است که اسلام مهم‌ترین احکام و شرایع خود از قبیل حج، جهاد، نماز و انفاق را و خلاصه تقوای دینی را بر اساس اجتماع قرار داده و علاوه بر اینکه قوای حکومت اسلامی را حافظ و مراقب تمامی شعائر دینی و حدود آن نموده، فریضه دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از تمامی منکرات را بر عموم واجب نموده و برای حفظ وحدت، هدف مشترکی برای جامعه اعلام بیان است و معلوم است که کل جامعه هیچ‌وقت بی‌نیاز از هدف مشترک نیست و آن هدف مشترک، سعادت حقیقی و رسیدن به قرب خداوند است (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۴: ۹۶). قرآن از دو جنبه برای سعادت جامعه برنامه داشته است: اول به جهت فردی که باید‌ها و نبایدهایی برای اشخاص به صورت فردی بیان داشته است که این اهتمام باعث تعالی فردی می‌شود و فرد با حضور در جامعه، باعث تعالی جامعه می‌شود. دوم به جهت اجتماعی که مستقیماً و صراحتاً آیاتی در رابطه با کل جامعه بیان شده است که این آیات در ابعاد متعدد، زمینه‌های سعادت و کمال را برای جامعه فراهم می‌نماید؛ آیاتی که در رابطه با انفاق و اهتمام به فقرا، امر به معروف و نهی از منکر، مشورت و وحدت بیان شده، از جمله این آیات است. آیات دسته دوم در این مقاله مد نظر است که مستقیماً در رابطه با سعادت و سلامت جامعه برنامه و باید‌ها و نبایدهایی بیان می‌دارند. بر همین اساس منظور از اقتباسات از آیات اجتماعی، آیاتی هستند که به صراحت به سعادت و سلامت جامعه توجه دارند و برنامه‌های آن متوجه تمامی افراد جامعه می‌شود و جنبه فردی ندارند.

۳. تحلیل اقتباسات خطبه فدکیه از آیات اجتماعی قرآن

حضرت فاطمه جهت تبیین جامعه ایمانی مطلوب از راهبردهای متعددی بهره می‌گیرد که این راهبردها از جنبه‌های مختلف برای تبیین باید‌ها و نبایدهای جامعه اسلامی بیان شده است که در ادامه این راهبردها در ابعاد مختلف مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرند.

الف) راهبرد معرفتی، تبیین توحید اجتماعی

توحید زیربنایی اصل اعتقادی در آموزه‌های دین اسلام است که همه ابعاد زندگی اسلامی از آن نشئت می‌گیرد. توحید در تمامی ابعاد زندگی انسان مؤمن تجلی پیدا می‌کند و باعث می‌شود انسان در تمامی ابعاد فردی و اجتماعی تسلیم امر خداوند باشد. توحید اجتماعی یک بعد از توحید است که در جامعه اسلامی تجلی پیدا می‌کند؛ بر این اساس توحید اجتماعی شاخه‌ای از علم توحید است که حاصل فهم و قرائت اجتماعی از توحید و رویکرد اجتماعی به آن و آشکار کردن هویت اجتماعی آن است که در ذات و طبیعت توحید نهفته است (عرب صالحی، پیشوایی، ۱۴۰۱: ۱۲۲). توحید اجتماعی دو بعد نفی و ایجابی دارد. بعد نفی‌ای توحید اجتماعی به معنای نفی عبودیت از غیر الله و قرار دادن تمام خواسته‌ها و اعمال و رفتار مطابق با اوامر و نواهی الهی است و بعد ایجابی توحید اجتماعی به معنای پذیرش ربوبیت الهی در تمام عالم هستی و تدبیر امور است (عرب صالحی و پیشوایی، ۱۴۰۲: ۲۲). حضرت فاطمه در خطبه فدکیه با اقتباس از آیات قرآن، حقیقت توحید اجتماعی را برای مسلمانان بیان می‌نماید که انسان مؤمن باید در تمامی ابعاد زندگی خود تسلیم اوامر الهی باشد و عدم پذیرش یک بعد به معنای نبود حقیقی توحید است. حضرت در رویکردهای متعدد به مفهوم توحید اجتماعی اشاره می‌کند از جمله:

تحقق جامعه ایمانی در پرتو استمرار هدایت: یکی از موارد مهمی که قرآن کریم در حیطه اجتماع بر آن تأکید داشته است، استمرار هدایت مردم در همه شرایط است؛ به این معنا که مؤمنان حتی در سخت‌ترین شرایط نیز باید بنده خداوند باشند و از اوامر الهی اطاعت کنند. به همین جهت حضرت فاطمه (س) در بیان مصیبت از دست دادن پیامبر و تبیین عدم ارتداد مردم به واسطه رحلت ایشان، این آیه مبارک را اقتباس می‌کند و می‌فرماید: «وَاللَّهِ النَّازِلَةُ الْكُبْرَى وَالْمُصِيبَةُ الْعُظْمَى لَا مِثْلَهَا نَازِلَةٌ وَلَا بَائِقَةٌ عَاجِلَةٌ أَعْلَنَ بِهَا كِتَابُ اللَّهِ جَلَّ تَنَازُؤُهُ فِي أَفْنِيَّتِكُمْ وَفِي مُمَسَاكِمِ وَمُصَبِّحِكُمْ يَهْتَفُ فِي أَفْنِيَّتِكُمْ هَتَافًا وَصُرَاحًا وَتِلَاوَةً وَإِلْحَانًا وَ لَقَبْلَهُ مَا حَلَّ بِأَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ حُكْمٌ فَضْلٌ وَقَضَاءٌ حَتْمٌ- وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ

مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئاً وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ»^۱ (طبرسی، ۱۴۰۳، ق، ۱: ۱۰۲) حضرت (س) در کلام خود، آیه ۱۴۴ آل عمران را اقتباس کامل می‌نماید. شأن نزول این آیه درباره جنگ احد و ارتداد برخی از مسلمانان پس از شنیدن خبر جعلی شهادت پیامبر است (طبرسی، ۱۳۷۲، ش، ۲: ۸۵۰). علت اقتباس این آیه در کلام حضرت فاطمه (س) این است که به مردم بفهماند که سرپیچی از راه و مسلک و روش پیامبر پس از رحلت ایشان، همانند همان سرپیچی در روز جنگ احد است که برخی به ورطه کفر و ارتداد کشیده شدند و این نکته را با اقتباس از این آیه ۱۴۴ آل عمران متذکر می‌شود که راه و دین پیامبر با رحلت ایشان از بین نمی‌رود و مرگ، سنت حتمی و قطعی خداوند است که علاوه بر پیامبر، برای پیامبران پیشین نیز بوده است؛ بنابراین خطاب بر اهل مجلس می‌فرماید نباید با رحلت پیامبر راه و مسلک ایشان فراموش شود و این یعنی استقامت و پایداری در مسیر الهی در همه شرایط؛ بدون شک پایبندی به دستورات الهی، نیاز به صبر و استقامت دارد که در صورت فقدان آن نقشه‌های دشمنان به نتیجه می‌رسد که در این قسمت نیز حضرت فاطمه بر همین مطلب یعنی استقامت و پایداری در راه حق در همه شرایط تأکید نموده‌اند.

تسلیم بی‌قید و شرط در عبودیت خداوند: حضرت فاطمه (س) در تبیین حقیقت اسلام و تسلیم بودن در برابر خداوند در همه شرایط و ابعاد، می‌فرماید: «أَرْغَبَةٌ عَنْهُ تُرِيدُونَ أَمْ بَعِيرُهُ تَحْكُمُونَ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا وَ مَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ»^۲ (طبرسی، ۱۴۰۳، ق، ۱: ۱۰۱). در این کلام، آیه ۸۵ آل عمران به صورت کامل اقتباس شده است. در این آیه اسلام

۱. آه که فوت او چه حادثه بزرگ و پیش آمد عظیمی بود، شکافی وسیع پدید نمود و همه چیز را بهم ریخت و از فقد او زمین تیره شد و خورشید و ماه گرفت و تمام ستارگان از هم پاشیدند و کشتی آرزو به گل نشست و کوه‌ها خاشع شدند و در پی وفات او حریم‌ها زیر پا گذارده شد و حرمت‌ها ریخت و به خدا سوگند که این فاجعه‌ای عظیم و پیش آمدی بزرگ و بی‌مانند بود آری این قضاء حتمی و حکم قطعی خداوند بود که در قرآن از طریق وحی به پیامبر - همچون دیگر انبیا - به چندین طریق شما را از فاجعه خبر داده بود (جعفری، ۱۳۸۱: ۱: ۲۳۶).

۲. آیا شما از روی رغبت از قرآن رجعت نمودید یا بغیر قرآن و احکام اوامر و نواهی آن امر و حکم نمایید.

به معنای «تسلیم مطلق در برابر خداوند» است و این تسلیم بودن تمامی ابعاد زندگی را در برمی گیرد که یکی از این ابعاد، بعد اجتماعی است. طبرسی ذیل این آیه، اسلام، دین و ایمان را دارای معنای واحد قلمداد نموده است (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ۲: ۷۸۸). به هر صورت، اسلام در آیه مزبور «تسلیم امر خداوند شدن در هر زمان» است و «تسلیم امر الهی شدن» به معنای پذیرش دین و آیین و شریعتی است که خداوند می خواهد نه آنچه انسان به میل و علاقه خود به آن اعتقاد پیدا می کند و نه آنکه به برخی موارد تسلیم امر الهی باشد و در برخی موارد از اوامر الهی سرپیچی نماید؛ اینکه حضرت فاطمه (س) به این آیه مبارک استناد و در کلام خود آن را اقتباس می نماید، تذکر همین مطلب است که به مردم متذکر شود که شما تسلیم امر الهی نشده اید و آنچه مورد دستور خدا و رسولش بود را نپذیرفته اید. اقتباس این آیه، حاوی این مطلب بوده که شما تسلیم امر خداوند نشده اید و آنچه را که در کتاب او بیان شده نپذیرفته اید و در بیانی، دین اسلام را نپذیرفته اید؛ زیرا نشانه پذیرفتن دین اسلام، تسلیم شدن مطلق و بی چون و چرا در برابر آن است. در این قسمت حضرت فاطمه به بعد اجتماعی و سیاسی توحید اشاره می نماید به این معنا که توحید صرفاً انجام برخی امور عبادی نیست بلکه توحید تمامی ابعاد زندگی انسان مؤمن را در برمی گیرد و انسان مؤمن در همه شرایط تسلیم امر خداوند است و این هدایت امری مستمر و دائمی است. نکته مهم این که در این قسمت بحث کارکرد اجتماعی توحید مورد تأکید قرار گرفته است که جامعه اسلامی در همه شرایط باید تسلیم امر خداوند باشد و مسیر جامعه، در مسیری باشد که خداوند می خواهد.

داشتن خشیت الهی در تمامی ابعاد زندگی: حضرت فاطمه (س) در انذار انصار و هشدار به عاقبت پیمان شکنی آنان می فرماید: «بُؤْساً لِقَوْمٍ نَكْتُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُمْ بَدُّوْكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَنْ تَخْشَوْهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (طبرسی، ۱۴۰۳ ق، ۱: ۱۰۳). قسمتی از این عبارت، اقتباس جزئی از این آیه مبارک است: «أَلَا تَقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُمْ بَدُّوْكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَنْ تَخْشَوْهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ

مُؤْمِنِينَ» (توبه: ۱۳)؛ چرا با گروهی که سوگندهای خود را شکستند و بر آن شدند که فرستاده [خدا] را بیرون کنند و آنان بودند که نخستین بار [جنگ را] با شما آغاز کردند، نمی‌جنگید؟ آیا از آنان می‌ترسید؟ با اینکه اگر مؤمنید خدا سزاوارتر است که از او بترسید.

این آیه مبارک و آیات بعدازآن، در تشویق مؤمنان به جهاد با دشمنانی است که با پیامبر دشمنی نموده و ایشان را از مکه اخراج نمودند و همچنین، تأکید بر اخلاص و رزی مؤمنان است که فقط از خدا پروا داشته باشند نه کسی دیگر؛ حضرت فاطمه (س) نیز این آیه مبارک را در جهت تحذیر و تنبیه مسلمان حاضر در مجلس اقتباس می‌کند و ضمن تنبیه به گذشته، آنان را به هدف ایمان که اخلاص است، هشدار می‌دهد و از آنان می‌خواهد، فقط از خدا پروا داشته باشند. اقتباس از این آیه مبارک، یادآور پیمان‌شکنی قومی است که با پیامبر بدعهدی و پیمان‌شکنی نمودند (طبرسی، ۱۳۷۲، ۵: ۱۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ق، ۱۹: ۱۶۰؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹، ق، ۱۱: ۴۵). حضرت فاطمه (س) نیز با اقتباس از این آیه، پیمان‌شکنی انصار را در آن زمان متذکر می‌شود که از پیمان خود که یاری اهل بیت پیامبر بوده دست کشیده بودند و این نکته را متذکر می‌شود که نباید از این قوم هراس داشته باشید بلکه آنکه شایسته خوف و خشیت است، خداوند سبحان است؛ به این صورت که مؤمنان هیچ قدرتی را از خداوند بالاتر ندانند؛ زیرا با چنین اعتقادی هیچ زمانی در مقابل مستکبران سر تسلیم و ذلت فرود نمی‌آورند، بنابراین این اعتقاد در بعد اجتماعی باعث استحکام جامعه اسلامی و تقویت آن در برابر دشمنان می‌شود.

ب) راهبرد مقابله با انحرافات در جامعه اسلامی

انحرافات اجتماعی، مواردی هستند که در تعارض با اصول اسلام است. این انحرافات جامعه را از مسیر صحیح خارج نموده و باعث عدم تحقق جامعه ایمانی می‌شوند. حضرت فاطمه در رویکرد آسیب‌شناسی با اقتباس از آیات قرآن به مهم‌ترین انحرافات جامعه اسلامی پس از رحلت پیامبر اشاره می‌نماید.

نکته مهم این که حضرت فاطمه میان این انحرافات و انحرافات زمان پیامبر تشابه موضوعی ایجاد می کند و مردم را از دامن زدن به آن ها برحذر می دارد. فتنه و ارتداد در جامعه اسلامی: حضرت فاطمه (س) در تبیین ارتداد و فتنه انگیزی برخی از افراد بعد از پیامبر، قسمتی از آیه ۴۹ سوره توبه را اقتباس می کند و می فرماید: «ثُمَّ اسْتَهْضَكُم فَوَجَدَكُم خِفَافًا وَأَحْمَشَكُم فَأَلْفَاكُم غَضَابًا فَوَسَّمْتُمْ غَيْرَ إِلَيْكُمْ وَوَرَدْتُمْ غَيْرَ مَشْرَبِكُمْ هَذَا وَالْعَهْدُ قَرِيبٌ وَالْكَفْمُ رَحِيبٌ وَالْجُرْحُ لَمَّا يَنْدَمِلُ وَالرَّسُولُ لَمَّا يَقْبُرُ ابْتِدَارًا زَعَمْتُمْ خَوْفَ الْفِتْنَةِ أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ» (طبرسی، ۱۴۰۳ ق: ۱۰۱). حضرت فاطمه (س) در این کلام، قسمتی از این آیه مبارک را اقتباس می نماید: «وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ أُنْذُنْ لِي وَلَا تَقْتَبِي أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ» (توبه: ۴۹)؛ و از آنان کسی است که می گوید: «مرا [در ماندن] اجازه ده و به فتنه ام مینداز» هشدار که آنان خود به فتنه افتاده اند و بی تردید جهنم بر کافران احاطه دارد.

علت اقتباس حضرت فاطمه (س) از این آیه، تبیین حال احوال اشخاصی است که از اوامر الهی و پیامبر خدا پس از رحلتشان سرپیچی کردند و به زعم خودشان برای جلوگیری از فتنه انگیزی در رابطه با جانشینی پس از پیامبر اقدام کردند چنان که حضرت می فرماید: «زَعَمْتُمْ خَوْفَ الْفِتْنَةِ»؛ یعنی آنان خوف از فتنه داشتند و این، شبیه همان سخن منافقان است که در آیه مبارک به این صورت بیان شده است: «وَلَا تَقْتَبِي». نکته مهم اجتماعی که در این قسمت به آن اشاره شده، آسیب ها و انحرافات است که در جامعه اسلامی رخ می دهد که از آن تعبیر به فتنه می شود. از این عبارت این گونه استنباط می شود که هر برهه ای از جامعه اسلامی خطراتی کیان جامعه را در قالب فتنه تهدید می کند که این فتنه ها می تواند مسیر جامعه اسلامی را از راه درست منحرف نماید؛ به

۱. سپس شما را دعوت به قیام کرد و سبکبار برای حرکت یافت! شعله های خشم و انتقام را در دل های شما برافروخت و آثار غضب در شما نمایان گشت و همین امر سبب شد بر غیر شتر خود علامت نهید و سرانجام به غضب حکومت پرداختید. در حالی که هنوز چیزی از رحلت پیامبر نگذشته بود، زخم های مصیبت ما وسیع و جراحات قلبی ما التیام نیافته و هنوز پیامبر (صلی الله علیه و آله) به خاک سپرده نشده بود، بهانه شما این بود که «می ترسیم فتنه ای برپا شود!» و چه فتنه ای از این بالاتر که در آن افتادید؟ و همانا دوزخ به کافران احاطه دارد.

همین جهت از وظایف مؤمنان این است که در مقابل فتنه‌ها سکوت ننمایند و با فتنه‌هایی که جامعه اسلامی را به خطر می‌اندازد، مقابله نمایند.

عهد شکنی از موازین اسلامی: حضرت فاطمه (س) پس از انداز انصار و یاری خواهی از آنان و تذکر و تنبه به پیشینه آنان، بر لزوم همراهی آنان تأکید می‌کند و می‌فرماید: «فَأَنَّى حُزْنُكُمْ بَعْدَ الْبَيَانِ وَأَسْرَرْتُمْ بَعْدَ الْإِعْلَانِ وَ نَكَصْتُمْ بَعْدَ الْإِقْدَامِ وَأَشْرَكْتُمْ بَعْدَ الْإِيمَانِ بُؤْسًا لِقَوْمٍ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ»^۱ (طبرسی، ۱۴۰۳ ق، ۱: ۱۰۳). عبارت پایانی «بُؤْسًا لِقَوْمٍ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ»، اقتباس متغیر از این آیه مبارک است: «وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعْنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَتِمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهِمْ يَنْتَهُونَ» (توبه: ۱۲)؛ و اگر سوگندهای خود را پس از پیمان خویش شکستند و شما را در دینتان طعن زدند، پس با پیشوایان کفر بکنید، چراکه آنان را هیچ پیمانی نیست، باشد که [از پیمان شکنی] بازایستند. این آیه مبارک، در رابطه با پیمان شکنی قومی است که با مسلمانان پیمان بسته بودند و از آنان به‌عنوان ائمه کفر یاد می‌شود و در آیه بعد نیز بر همین مسئله پیمان شکنی آنان تأکید شده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ۵: ۱۷) به همین جهت، حضرت فاطمه (س) با اقتباس متغیر از این آیه مبارک و اضافه نمودن عبارت «بُؤْسًا» عاقبت بد پیمان‌شکنان را یادآور شده و این نکته را متذکر می‌گردد که کسانی که اکنون نیز از یاری اهل بیت پیامبر سرپیچی نموده‌اند و آنان را یاری نمی‌کنند، همان پیمان‌شکنانی هستند که پیمان و عهد خود با پیامبر را بریدند و چه عاقبت بدی در انتظار پیمان‌شکنان است.

ج) رویکرد الگو محور در ساختن جامعه‌ی ایمانی

حضرت فاطمه جهت تبیین راه صحیح جامعه اسلامی برای مسلمانان، به نمونه‌های الگویی می‌پردازد تا مردم با الگوگیری از آنان راه صحیح هدایت را پیدا کنند؛ ازجمله:

الگوگیری از پیامبر در هدایت مردم و ساختن جامعه: حضرت

۱. پس چرا بعد از آن همه بیانات قرآن و پیامبر (صلی الله علیه و آله) امروز حیران مانده‌اید؟ چرا حقایق را بعد از آشکار شدن مکتوم می‌دارید و پیمان‌های خود را شکسته‌اید و بعد از ایمان راه شرک پیش گرفته‌اید؟

فاطمه (س) در بیان مجاهدت‌های پدر گرامی‌شان، از تعابیر متعددی بهره می‌برد؛ در برخی موارد با اقتباس متغیر از آیات قرآن این مهم را به زیبایی بیان می‌کند. در بیان شیوه دعوت پیامبر اکرم می‌فرماید: «دَاعِيًا إِلَى سَبِيلِ رَبِّهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ» (طبرسی، ۱۴۰۳، ق، ۱: ۱۰۰). این عبارت، اقتباس متغیر از این آیه مبارک است: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ» (نحل: ۱۲۵)؛ با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [شیوه‌ای] که نیکوتر است مجادله نما. در حقیقت، پروردگار تو به [حال] کسی که از راه او منحرف شده داناتر و او به [حال] راه‌یافتگان [نیز] داناتر است.

نکته مهم این که در این آیه، خطاب به پیامبر به صورت امر است و از فعل امر «ادْعُ» استفاده شده؛ یعنی خداوند پیامبر را دستور می‌دهد که این گونه در راه خدا دعوت کند؛ آنگاه حضرت فاطمه (س) نتیجه تبعیت پیامبر از امر خدا را به صورت جمله خبری بیان می‌کند و فعل امر «ادْعُ» را به اسم فاعل «دَاعِيًا» تغییر می‌دهد؛ به این معنا که پیامبر اکرم همان گونه‌ای دعوت کرد که خداوند از او خواست. مراد از حکمت، حجتی است که نتیجه آن حق باشد به صورتی نتیجه دهد که هیچ شک و ابهامی در آن نباشد و موعظه عبارت از بیانی است که نفس شنونده را نرم و قلبش را به دقت درآورد و آن بیانی خواهد بود که آنچه مایه صلاح حال شنونده است را در برداشته باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ق، ۱۲: ۳۷۲). حضرت فاطمه (س) در اهمیت دعوت پیامبر و رسالت ایشان و مجاهدت‌هایشان در مقابله با مشرکین می‌فرماید: «فَبَلَّغَ الرِّسَالَةَ صَادِعًا بِالْبَدَاةِ مَا نَأْتِي عَنْ مَدْرَجَةِ الْمُشْرِكِينَ»^۱ (طبرسی، ۱۴۰۳، ق، ۱: ۱۰۰).

اولاً، پیامبر حق رسالت خویش را ابلاغ نمود که عبارت «فَبَلَّغَ الرِّسَالَةَ» برگرفته از این آیه است: «الَّذِينَ يَبْلَغُونَ رَسُولَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى

۱. آن رسول گرامی پیوسته ابلاغ رسالت نموده و تنذیر فرمود و همیشه با عقیده مشرکان مخالف بوده و با کردارشان مبارزه می‌کرد.

بِاللَّهِ حَسِيْبًا» (احزاب: ۳۹)؛ همان کسانی که پیام‌های خدا را ابلاغ می‌کنند و از او می‌ترسند و از هیچ کس جز خدا بیم ندارند و خدا برای حسابرسی کفایت می‌کند.

ثانیاً، پیامبر آشکارا مردم را بیم داد؛ عبارت «صَادِعًا بِالْإِنْدَارَةِ» برگرفته از این آیه مبارک است: «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ» (حجر: ۴)؛ پس آنچه را بدان مأموری آشکار کن و از مشرکان روی برتاب.

ثالثاً، پیامبر از راه و روش و آئین مشرکان بیزار بود، عبارت «مَا ئِلاً عَنِ مَذْرَجَةِ الْمُشْرِكِينَ» بر این مطلب دلالت دارد. فراهیدی واژه «مَذْرَجَةِ» را به معنای راه و مسیر عبور و مرو بیان می‌کند (فراهیدی، ۱۴۱۴ ق، ۶: ۷۸) که در این عبارت به معنای بیزاری پیامبر از راه و روش مشرکان است. برائت از مشرکین در سیره قرآنی پیامبر نیز در آیات متعدد بیان شده است؛ از جمله: «اتَّبِعْ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ» (انعام: ۱۰۶)؛ از آنچه از پروردگارت به تو وحی شده پیروی کن. هیچ معبودی جز او نیست و از مشرکان روی بگردان. نکته مهم در این اقتباسات این است که حضرت فاطمه به رسالت اجتماعی پیامبر اشاره می‌کند؛ به این معنا که ایشان برانگیخته شد تا جامعه‌ای بنا نهد که بر محور خداوند و دوری از شرک و کفر باشد. مهم‌ترین آسیب اجتماعی زمان پیامبر شرک و بت‌پرستی بود و پیامبر دعوت خود را نه بر محور هدایت افراد بلکه بر هدایت جامعه بنا نهاد. مجاهدت‌های پیامبر از آغاز رسالت، گویای این مطلب است که هدف اصلی ایشان، ساختن جامعه ایمانی و پیراستن آن از شرک و بت‌پرستی بوده است؛ با توجه به این مطلب، این‌گونه استنباط می‌شود که تا جامعه از آسیب‌ها و انحرافات پیراسته نگردد، نمی‌توان انتظار هدایت همگانی و سلامت و سعادت جامعه را داشت؛ بنابراین حضرت فاطمه (س) رسالت پیامبر اکرم در بیان توحید و مقابله با مشرکان و آئین باطل آن‌ها و ساختن جامعه دینی را، با اقتباس از آیات قرآن، با رویکرد اجتماعی بیان می‌کند.

تأسی به امامت جهت جلوگیری از تفرقه: حضرت فاطمه (س) در یک اشاره صریح، به انحراف امت و اختلاف پیش‌آمده اشاره می‌کند که این

اختلاف ناشی از رها شدن امامت است. بر همین اساس، حضرت فاطمه (س) جایگاه امامت را مانع از تفرقه و اختلاف معرفی می‌کند و می‌فرماید: «وَإِمَامَتَنَا أَمَانًا لِلْفُرْقَةِ»^۱ این عبارت نیز برگرفته از آیات قرآن و اقتباس محتوایی از این آیه مبارک است که می‌فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (آل عمران: ۱۰۳): و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید؛ و نعمت خدا را بر خود یاد کنید: آنگاه که دشمنان [یکدیگر] بودید، پس میان دل‌های شما الفت انداخت تا به لطف او برادران هم شدید؛ و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رهانید. این گونه، خداوند نشانه‌های خود را برای شما روشن می‌کند، باشد که شما راه یابید. درباره مصداق «حَبْلِ اللَّهِ» در این آیه مصادیق متعددی بیان شده که البته همه به یک حقیقت واحد برمی‌گردد. در برخی از روایات حبل‌الله به اهل بیت علیهم‌السلام تفسیر شده است (عیاشی، ۱۴۲۱ ق، ۱: ۱۴) و در برخی از روایات به قرآن تفسیر شده است (طوسی، ۱۴۰۶ ق، ۲: ۵۴۵)؛ اما با اندکی تأمل مشخص می‌شود که هر دو مصداق از این عبارت، یکی هستند و آن همتایی قرآن و اهل بیت است که در حدیث ثقلین، پیامبر آن دو را شرط رهایی از گمراهی و ضلالت معرفی نمود. به همین جهت، با مشاهده اختلاف و تشدد آراء و وجود مذاهب و مکاتب گوناگون در مراجعه به قرآن پس از رحلت پیامبر اکرم، این نکته حاصل می‌شود که هر مکتب و مذهبی با مراجعه به قرآن خود را حق دانسته و دیگری را تکذیب نموده است و این نشان می‌دهد که مقصود «حبل‌الله» در این باره تحقق پیدا نکرده است؛ چرا که اعتصام به حبل‌الله باعث عدم تفرقه می‌شود و این نشان می‌دهد که قرآن ثقل دارد و ثقل آن اهل بیت هستند که می‌توانند قرآن را آن گونه‌ای تفسیر کنند که مراد خداوند است و نتیجه آن این می‌شود که هیچ اختلافی بین مردم پیش نیاید و در پرتو رهبری اهل بیت، متحد و یکپارچه و با یک مکتب و مسلک، راه حق را پیوند.

۱. و امامت ما (اهل بیت) مانع از تفرقه و جدایی است.

درواقع اصل امامت به جهت یکپارچه نمودن جامعه در سایه رهبری واحد و هدایت مردم به سوی صراط مستقیم است؛ این یک اصل اجتماعی و سیاسی مورد قبول جوامع اسلامی و غیر اسلامی است که هر جامعه‌ای نیازمند رهبر و هدایت کننده است تا در سایه رهبری و مسئولیت او، امور جامعه سامان گیرد و هرج و مرج در جامعه رخ ندهد. حال اگر این رهبر جامعه، منصوب از سوی خداوند باشد، علاوه بر انسجام اجتماعی، هدایت اجتماعی و سعادت غائی نیز به دنبال خواهد داشت و این همان نکته‌ای است که حضرت فاطمه در کلام خود بیان داشته است.

د) راهبرد تبیینی در ارائه شاخصه‌های تعالی و سعادت جامعه

در راهبرد پایانی، حضرت فاطمه به مصادیق عینی که می‌تواند سعادت جامعه را به ارمغان بیاورد اشاره می‌کند، هدف حضرت این است که نهادینه‌سازی این موارد به شکل صحیح در جامعه، باعث ایجاد جامعه اسلامی مطلوب و خداپسند می‌شود؛ مهم‌ترین شاخصه‌ها در این باره عبارت‌اند از:

اهتمام به زکات و رفع فقر از جامعه: اهتمام به اقتصاد جامعه و دفع فقر از جامعه، از مهمترین مسائل اجتماعی مدنظر قرآن است. به همین جهت برای رشد اقتصادی نیازمندان و رفع فقر از جامعه، قوانین و احکام اقتصادی همچون زکات و خمس را وضع نموده است. حضرت فاطمه (س) با اقتباس محتوایی از آیات قرآن، فلسفه زکات را تزکیه نفس و فزونی در رزق بیان می‌کند و می‌فرماید: «وَالزَّكَاةُ تَزْكِيَةٌ لِلنَّفْسِ وَنَمَاءٌ فِي الرِّزْقِ»^۱ واژه «تَزْكِيَةٌ» از ریشه زکا یا زکو دارای دو معنی است؛ پاک نمودن یا زیاد کردن (طریحی، ۱۳۷۵، ۲: ۲۸۳) که هر دو معنا ممکن است؛ یعنی پرداخت زکات باعث پاکی نفس از آلودگی و خبثت می‌شود و همچنین به رزق و روزی انسان برکت می‌دهد و باعث افزایش آن می‌گردد. اینکه زکات باعث تزکیه نفس می‌شود به این خاطر است که انسان از آنچه روزی او شده و به لحاظ مادی به آن علاقه دارد جهت رضای الهی آن را

۱. و پرداخت زکات را برای پاکی جان و برکت رزق و روزی مقرر نمود.

در راه خدا انفاق می‌کند به همین جهت بر هوای نفس خود و علاقه دنیوی خود غلبه می‌کند و آن را برای رضای خدا انفاق می‌نماید که این باعث تطهیر نفس و تزکیه آن می‌شود که این عبارت حضرت فاطمه: «وَالزَّكَاةَ تَزْكِيَةً لِلنَّفْسِ» اقتباس محتوایی از این آیه مبارک است: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (توبه: ۱۰۳)؛ از اموال آنان صدقه‌ای بگیر تا به وسیله آن پاک و پاکیزه‌شان سازی و برایشان دعا کن، زیرا دعای تو برای آنان آرامشی است و خدا شنوای داناست.

عبارت «تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ» اقتباس عبارت «تَزْكِيَةً لِلنَّفْسِ» خطبه فدکیه است که حضرت زهرا (س) آن را به این صورت بیان نموده است تا ضمن بیان فلسفه زکات، اهمیت آن را نیز بیان نموده باشد. عبارت «نَمَاءٌ فِي الرِّزْقِ» نیز اقتباس محتوایی از این آیه مبارک است: «وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رِبَاً لِيَرْبُوهَا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوهَا عِنْدَ اللَّهِ وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ» (روم: ۳)؛ و آنچه [به قصد] ربا می‌دهید تا در اموال مردم سود و افزایش بردارد، نزد خدا فزونی نمی‌گیرد؛ و [لی] آنچه را از زکات - درحالی که خشنودی خدا را خواستارید - دادید، پس آنان همان فزونی‌یافتگانند [و مضاعف می‌شود].

کلمه «الْمُضْعِفُونَ» دال بر زیاد شدن رزق و روزی در اثر پرداخت زکات است، چنان که مفسران نیز بر این مطلب تصریح دارند (فضل الله، ۱۴۱۹ ق، ۱۸: ۱۴۱). صاحب تفسیر الجدید فی تفسیر القرآن، زیاد شدن ثواب و مال هر دو را در وجه تفسیر این آیه ذکر می‌کند. (سبزواری، ۱۴۰۶ ق، ۵: ۳۶۷). این تأکیدات به جهت اهمیت و کارکرد زکات در جامعه اسلامی است؛ زیرا زکات به لحاظ فقهی جنبه فردی داشته اما به لحاظ تأثیرات آن، امری اجتماعی است که آثار اصلی و مهم آن متوجه جامعه می‌شود؛ به خاطر اهمیت والای زکات است که یکی از اهداف و رسالت‌های مهم کارگزاران دینی هنگام رسیدن به حکومت، پرداخت زکات بیان شده است؛ چنان که قرآن می‌فرماید: «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (حج: ۴۱)؛ همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز برپا می‌دارند و

زکات می‌دهند و به کارهای پسندیده وامی‌دارند و از کارهای ناپسند بازمی‌دارند و فرجام همه کارها از آن خداست.

در این آیه مبارک پرداخت زکات در کنار مهم‌ترین مباحث اجتماعی همچون امر به معروف و نهی از منکر قرار گرفته است؛ که این مهم نشان می‌دهد که پرداخت زکات یک رسالت اجتماعی بوده و آثار آن در جهت سلامت و سعادت جامعه است. در آیات متعدد قرآن پرداخت زکات متوجه جمع شده و با صیغه جمع بیان شده است که این نشان می‌دهد زکات یک مقوله اجتماعی است. تأکید قرآن به پرداخت زکات و ارتباط آن با سلامت جامعه این است که با پرداخت زکات و مصرف صحیح آن در جای خود، فقر و آسیب‌های اجتماعی همچون دزدی و بزهکاری در جامعه کم می‌شود و از سوی دیگر پرداخت زکات باعث تقویت حکومت اسلامی و تقویت بنیه نظامی می‌شود که این امر به استقلال سیاسی و اقتصادی جامعه کمک می‌کند.

توجه به عدالت اجتماعی جهت نظم جامعه: یکی از مهم‌ترین مباحثی که در آموزه‌های دینی جهت سلامت و سعادت جامعه بر آن تأکید شده است، برپایی قسط و عدالت است. حضرت فاطمه (س) فلسفه عدل را این گونه بیان می‌کند: «وَالْعَدْلُ تَنْسِيقًا لِلْقُلُوبِ»^۱ ابن منظور در تعریف این واژه می‌نویسد: «آنچه از سخن در یک نظم یکسان و یکپارچه می‌آید» (ابن منظور، ۱۴۰۵، ق، ۱۰: ۳۵۳)؛ عبارت «تَنْسِيقًا لِلْقُلُوبِ» در کلام حضرت فاطمه (س)، اقتباسی محتوایی از آیات متعدد قرآن درباره اهمیت عدالت است که ایشان در این واژه آن‌ها را بیان نموده است. اینکه عدل و عدالت باعث هماهنگی دل‌ها و نظم و یکپارچگی می‌شود به این جهت است که حتی با دشمنان هم دستور به عدالت شده است؛ زیرا که عدالت به تقوا نزدیک‌تر است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (مائده: ۸)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برای خدا به داد برخیزید [و] به عدالت شهادت دهید و البته نباید دشمنی گروهی

۱. و عدل و انصاف را برای نظم اجتماع مقرر نمود.

شما را بر آن دارد که عدالت نکنید. عدالت کنید که آن به تقوا نزدیک‌تر است و از خدا پروا دارید که خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.

فلسفه بعثت پیامبر نیز ایجاد عدل و عدالت میان مردم بیان شده است: «فَلْيَذِكُرُوا قَادِعًا وَاسْتَقِيمًا كَمَا أُمِرْتُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَا حِجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ» (سوری: ۱۵)؛ بنابراین به دعوت پرداز و همان‌گونه که مأموری ایستادگی کن و هوس‌های آنان را پیروی مکن و بگو: به هر کتابی که خدا نازل کرده است ایمان آوردم و مأمور شدم که میان شما عدالت کنم؛ خدا پروردگار ما و پروردگار شماست؛ اعمال ما از آن ما و اعمال شما از آن شماست؛ میان ما و شما خصومتی نیست؛ خدا میان ما را جمع می‌کند و فرجام به سوی اوست.

بنا بر آنچه بیان شد، مجموعه این آیات و آیات مشابه، اهمیت عدل را بیان می‌کنند که باعث هماهنگی قلب‌ها می‌شود و از نارضایتی و ناخشنودی در مقابل ظلم و بی‌عدالتی جلوگیری می‌نماید؛ به همین جهت حضرت فاطمه (س) با انتخاب واژه «تنسیق» به زیبایی اهمیت عدل را بیان کرده است و با نگاهی تدبیر محور و تفسیر محور به آیات قرآن، مفهوم و غایت عدالت را بیان نموده است؛ به این صورت که اجرای قسط و عدالت در جامعه باعث نظم و آرامش جامعه می‌شود و از ناآرامی و تفرقه در جامعه جلوگیری می‌نماید. وقتی در جامعه، مسئولان و مردم به عدالت ورزی پایبند شدند، حق در جای خود قرار می‌گیرد و مردم در آن جامعه احساس نارضایتی نمی‌کنند و این باعث می‌شود که الفت و انسجام در جامعه شکل گیرد؛ که نتیجه آن یکپارچگی جامعه و در مسیر حق قرار گرفتن آن خواهد بود.

اهتمام به امر به معروف جهت ساختن جامعه مطلوب: امر به معروف و نهی از منکر یکی از مهم‌ترین مواردی است که در حیطه اجتماع و سلامت آن بنا شده است. حضرت فاطمه (س) فلسفه امر به معروف را مصلحت عموم

بیان می‌کند و می‌فرماید: «وَالْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلِحَةً لِلْعَامَّةِ»^۱ این معنا که نتیجه این فریضه الهی عام و همگانی است و سود آن به کل جامعه می‌رسد. آیات متعددی از قرآن بر این امر دلالت دارند که حضرت فاطمه (س) با احاطه علمی به آن‌ها غایت آن‌ها را به‌طور خلاصه بیان نموده است از جمله: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران: ۱۰۴) (و باید از میان شما، گروهی، [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند و آنان همان رستگارانند. این آیه مبارک نتیجه امر به معروف را رسیدن به فلاح و رستگاری بیان می‌کند؛ به این معنا که نتیجه این فریضه به انجام دهندگان آن نیز علاوه بر آخرت، در دنیا نیز می‌رسد که این مطلب در کلام حضرت فاطمه با عبارت «مَصْلِحَةً لِلْعَامَّةِ» بیان شده است. به این دلیل امر به معروف به مصلحت عموم است که نقش مهمی در سلامت جامعه دارد، امر به معروف به معنای امر به اموری است که سلامت معنوی جامعه را تأمین می‌کنند و نهی از منکر به معنای نهی از مواردی است که در تقابل با سلامت معنوی جامعه بوده؛ به عبارت دیگر امر به معروف به معنای تخلیه جامعه به فضایل اخلاقی است. به همین جهت اگر این فریضه در جامعه اجرائی شود، جامعه به فضایل آراسته و از رذایل پیراسته خواهد شد که نتیجه آن، سلامت و سعادت جامعه می‌شود و این سلامت و سعادت به خیر و صلاح تمامی افراد جامعه است.

۴. نتیجه پژوهش

بر اساس مطالب پیش‌گفته مهم‌ترین نتایج این مقاله را می‌توان در موارد زیر فهرست نمود:

۱. حضرت فاطمه با اقتباس از آیات قرآن در چند محور به مسائل اجتماعی جامعه اسلامی می‌پردازد. در بعد اول به حقیقت توحید اجتماعی اشاره می‌نماید

۱. و امر به معروف را برای صلاح همگانی مقرر نمود.

و به تبیین حقیقت اسلام می‌پردازد و مردم را از اسلام ظاهری که فقط با زبان باشد نهی می‌کند و در این باره این نکته را متذکر می‌شود که اسلام حقیقی در تمامی ابعاد فردی و اجتماعی انسان مؤمن تجلی پیدا می‌کند. حضرت فاطمه در این باره آیه ۱۵۸ آل عمران را به‌طور کامل و آیه ۱۰۲ آل عمران را به‌صورت جزئی اقتباس می‌نماید و این نکته را متذکر می‌شود که علت انحراف برخی از افراد و سرپیچی از قرآن و سنت پیامبر، تسلیم نشدن آنان به‌طور کامل در برابر خداوند و رعایت نکردن حق تقوای الهی است.

۲. در محور دوم حضرت فاطمه به مقابله با آسیب‌های اجتماعی پیش‌آمده بعد از رحلت پیامبر می‌پردازد و مردم را از آن برحذر می‌دارد. در واقع حضرت فاطمه با مشابهت موضوعی میان انحرافات پس از رحلت و قبل از رحلت، مردم را به‌طور محسوس و عینی با آسیب‌های پیش‌آمده آشنا می‌کند تا بتوانند با آن انحرافات مقابله کنند. فتنه و ارتداد در جامعه اسلامی و عهد شکنی از موازین اسلامی از جمله آسیب‌هایی هستند که حضرت فاطمه به آن اشاره می‌نماید.

۳. در محور سوم حضرت فاطمه به راهبرد الگویی اشاره می‌کند، ایشان در این باره به مجاهدت‌های پیامبر و اهمیت رسالت ایشان در ساختن جامعه اسلامی و مبارزه با شرک و بت‌پرستی اشاره می‌کند و با اقتباس جزئی و متغیر از این آیات قرآن، رسالت پیامبر را ساختن جامعه و تطهیر آن از آسیب‌ها و انحرافات بیان می‌کند و با تذکر به این مطلب، حاضران را متنبه به سیره پیامبر می‌نماید که در قرآن به آن تأکید شده است. حضرت فاطمه همچنین به گذشته بد مردم قبل از بعثت پیامبر اشاره می‌کند که در وضعیت بدی قرار داشتند و وسیله پیامبر و نعمت اسلام هدایت شدند و توانستند بر دشمنان پیروز شوند ایشان با اقتباس از این آیات ضمن تنبیه به گذشته، لزوم شکر این نعمت و پایبندی به دستورات قرآن و پیامبر را تأکید می‌کند. در این محور حضرت فاطمه علاوه بر الگوگیری از پیامبر، به جایگاه اهل بیت و نقش آنان در هدایت جامعه اشاره می‌کند تا مردم به اهمیت آنان پی برده و با تبعیت از آنان به انسجام اجتماعی و دوری از تفرقه نائل گردند.

۴. در محور چهارم به شاخصه‌های تعالی و سعادت جامعه اشاره می‌نماید و اهمیت و غایت آن‌ها در جهت سلامت و سعادت جامعه را، بیان می‌کند. حضرت فاطمه در این باره مهم‌ترین مباحث اجتماعی قرآن را اقتباس می‌کند و در ضمن کلام خود آن‌ها را بیان می‌کند. این اقتباسات به گونه‌ای بوده که به صورت ایجاز حق مطلب را بیان نموده است؛ از جمله مباحث اجتماعی قرآن که حضرت فاطمه به صورت اقتباس محتوایی فلسفه و اهمیت آن‌ها را بیان می‌کند عبارت‌اند از: فلسفه زکات در تطهیر جان و مال مؤمنان و دفع فقر از جامعه، عدالت در هماهنگی و آرامش جامعه، اهمیت جهاد در دفاع از اسلام و عزت مسلمانان، امر به معروف و جهت مصلحت جامعه و سلامت و سعادت آن، فلسفه قصاص جهت امنیت جامعه و حفظ جان‌ها، نهی از کم‌فروشی به جهت امنیت اقتصادی جامعه و مبارزه با مفاسد اقتصادی، نهی از تهمت‌های ناروا به جهت دور ماندن از لعنت الهی و همچنین حفظ عزت نفس و احترام به شخصیت و آبروی مؤمنان. در تمامی این موارد، منبع اقتباس حضرت فاطمه قرآن کریم بوده که با احاطه علمی به مجموعه‌ای از آیات قرآن، تفسیر و مراد حقیقی وحی را در این جملات بیان نموده است که این مهم نهایت علم حضرت فاطمه به قرآن را می‌رساند.

منابع و مأخذ

- * قرآن کریم، ترجمه: محمدمهدی فولادوند، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- ابن ابی جمهور، محمد بن علی بن إبراهیم احسانی. (۱۴۰۳ ق). *عوالی اللئالی*. قم: دارالسید الشهداء.
- ابن حنبل، احمد. (۱۴۱۲ ق). *مسند*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن درید، محمد بن حسن. (۱۹۷۸ م). *جمهرة اللغة*. بیروت: دار العلم للملایین.
- ابن منظور، محمد. (۱۴۰۵ ق). *لسان العرب*. قم: نشر ادب الحوزه.
- بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۰۱ ق). *صحیح بخاری*. بیروت: دارالفکر.
- ترمذی، محمد بن عیسی. (۱۴۲۵ ق). *سنن ترمذی*. بیروت: دارالفکر.
- جرجانی، علی بن محمد. (بی تا). *التعریفات*. تهران: ناصر خسرو.
- جعفری، بهزاد. (۱۳۸۱ ش). *ترجمه الاحتجاج*. تهران: انتشارات اسلامیة.
- جوهری، ابونصر. (۱۴۰۷ ق). *الصحاح*. بیروت: دار العلم للملایین.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله. (۱۴۱۱ ق). *المستدرک علی الصحیحین*. بیروت: دارالمعرفة.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۰۲ ق). *المفردات*. بیروت: دار المعرفة، چاپ دوم.
- زمخشری خوارزمی، ابو القاسم جارالله محمود بن عمر. (۱۹۷۷ م). *الکشاف عن حقائق التنزیل*. بیروت: دارالفکر الاسلامیة.
- سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله. (۱۴۰۶ ق). *الجدید فی تفسیر القرآن*. بیروت: دارالتعارف المطبوعات.
- صادقی تهرانی، محمد. (۱۴۰۶ ق). *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة*. قم: فرهنگ اسلامی.
- صدوق، محمد بن علی بابویه. (۱۴۰۵ ق). *کمال الدین*. قم: موسسه النشر الاسلامی.
- طباطبایی، محمد حسین. (بی تا). *روابط اجتماعی در اسلام*. تهران: انتشارات آزادی.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۴۱۷ ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
- طبرسی، احمد بن علی. (۱۴۰۳ ق). *الإحتجاج علی أهل اللجاج*. مشهد: انتشارات مرتضی، چاپ اول.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ ش). *مجمع البیان لعلوم القرآن (مجمع البیان فی تفسیر القرآن)*، تحقیق: با مقدمه جواد بلاغی. چاپ سوم. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- الطریحی، فخرالدین. (۱۳۷۵ ش). *مجمع البحرین*. تهران: انتشارات مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*. چاپ اول. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عرب صالحی، محمدفد پیشوایی، فریده. (۱۴۰۱). «توحید اجتماعی، ماهیت، تعریف و نسبت آن با توحید اعتقادی». *مجله قیسات*. سال بیست و هفتم. شماره ۱۰۴. صص ۹۹-۱۲۴.
- عرب صالحی، محمدفد پیشوایی، فریده. (۱۴۰۲). «مؤلفه‌های توحید اجتماعی از دیدگاه مفسران فریقین و روایات و نسبت سنجی آن با واژه عبادت». *فصلنامه معارف قرآنی*. سال چهاردهم. شماره ۵۴. صص ۴-۲۲.
- عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۴۲۱ ق). *تفسیر العیاشی*. قم: موسسه البعثة.
- فتاحی زاده، فتحیه، افسردیر، حسین. (۱۳۹۵). «کارکرد تفسیری اقتباس‌های قرآنی خطبه‌های حضرت

- زهره). «سراج منیر». شماره ۲۴. صص ۱۶۰-۱۷۸.
- فتاحی زاده، فتحیه، معتمد لنگرودی، فرشته. (۱۳۹۵). «روابط بینامتنی خطبه فدکیه با قرآن». سراج منیر. شماره ۲۲. صص ۵-۱۳۰.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۴ ق). العین. قم: موسسه دارالهجره.
- فضل الله، سید محمد حسین. (۱۴۱۹ ق). تفسیر من وحی القرآن. بیروت: دار الملائک لطباعه و النشر.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۸۸ ق). اصول کافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ ق). بحار الانوار. بیروت: دار احیا التراث،
- المیدانی، عبدالرحمن. (۱۴۱۶ ق). البلاغة العربیة. بیروت: دارالقلم.
- نیشابوری، مسلم بن حجاج. (بی تا). صحیح مسلم. بیروت: دارالفکر.

REFERENCES

- * The Holy Qur'an, translated by Mohammad Mahdi Fooladvand, Tehran: Islamic History and Education Studies Office.
- Al- Kulayni, Muhammad bin Ya'qub. (1388 AH). *Usoul Al-Kafl*. Tehran: Dar Al-Kutub Al-Islamiyya.
- Al-Ayyashi, Muhammad ibn Mas'ud. (1421 AH). *Tafsir al-Ayyashi*. Qom: Al-Bi'thah Institute.
- Al-Bukhari, Muhammad bin Ismail. (1401 AH). *Sahih Al-Bukhari*. Beirut: Dar Al-Fikr.
- Al-Farahidi, Khalil bin Ahmad. (1414 AH). *Al-Ain*. Qom: Dar Al-Hijrah Foundation.
- Al-Hakim al-Nishaburi, Muhammad ibn Abdullah. (1411 AH). *Al-Mustadrak ala al-Sahihain*. Beirut: Dar al-Marifah.
- Al-Jawhari, Abu Nasr. (1407 AH). *Al-Sihah*. Beirut: Dar al-Ilm lil-Malayin.
- Al-Jurjani, Ali bin Muhammad. (n.d). *Al-Ta'rifat*. Tehran: Naser Khosrow.
- Al-Maidani, Abdurrahman. (1416 AH). *Al-Balagha Al-Arabiya*. Beirut: Dar al-Qalam.
- Al-Majlisi, Muhammad Baqir. (1403 AH). *Bihar Al-Anwar*. Beirut: Dar Ihya Al-Turath al-Arabi.
- Al-Nishaburi, Muslim ibn Hajjaj. (n.d.). *Sahih Muslim*. Beirut: Dar al-Fikr.
- Al-Raghib Al-Isfahani, Hussain ibn Muhammad. (1402 AH). *Al-Mufradat*. Beirut: Dar al-Marifah, second edition.
- Al-Sabzewari Al-Najafi, Muhammad ibn Habibullah. (1406 AH). *Al-Jadeed fi Tafsir al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Ta'aruf for press.
- Al-Sadouq, Muhammad ibn Ali Babawayh. (1405 AH). *Kamal al-Din*. Qom: Islamic Publishing Institute.
- Al-Tabarsi, Ahmad ibn Ali. (1403 AH). *Al-Ihtijaj ala Ahl al-Lijaj*. Mashhad: Morteza Publications. First Edition
- Al-Tabarsi, Fadl ibn Hasan. (1372 AH). *Majma' al-Bayan li Uloum al-Qur'an (Majma al-fi Tafsir al-Qur'an)*, Research: With an Introduction by Javad Balaghi. Third Edition. Tehran: Naser Khosrow Publications.
- Al-Tirmidhi, Muhammad bin Isa. (1425 AH). *Sunan Al-Tirmidhi*. Beirut: Dar Al-Fikr.
- Al-Turaihi, Fakhruddin. (1375 AH). *Majma al-Bayan*. Tehran: Mortazavi Publications.
- Al-Tusi, Muhammad ibn Hasan. (n.d.). *Al-Tibyan fi Tafsir al-Qur'an*. First edition. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Al-Zamakhshari al-Khwarizmi, Abu al-Qasim Jarallah Mahmoud ibn Omar. (1977 AD). *Al-Kashshaf an Haqiq al-Tanzil*. Beirut: Dar al-Fikr al-Islamia.
- Arab Salehi, Muhammad; Pishvai, Farida. (1401). "Social Monotheism, its nature, definition and its relation to doctrinal monotheism". *Qabasat Magazine*. Vol. 27. Issue 104. pp. 99-124.
- Arab Salehi, Muhammad; Pishvai, Farida. (1402). "Components of Social Monotheism from the Perspective of the Interpreters of Two Sects and Hadiths and its Relation to the Word of Ibadat". *Maa'rif al-Qur'ani Quarterly*. Vol. 14. Issue 54. pp. 4-22.
- Fadlallah, Sayyid Muhammad Hussein. (1419 AH). *Tafsir min Wahy al-Qur'an*. Beirut: Dar Al-Malak for Printing and Publishing.
- Fattahizadeh, Fathiya; Afsardir, Hossein. (1395). "The Interpretive Function of Qur'anic Adaptations of Lady Zahra's Sermons". *Siraj Munir*. Issue 24. pp. 160-178.
- Fattahizadeh, Fathiya; Motamid Langroodi, Fereshteh. (1395). "Intertextual Relations of the Fadakiyya Sermon with the Qur'an". *Siraj Munir*. Issue 22. pp. 5-130.

- Ibn Abi Jumhour, Muhammad bin Ali bin Ibrahim Al-Ihsa'i. (1403 AH). *Awali al-Li'ali*. Qom: Dar Al-Sayyid Al-Shuhada.
- Ibn Duraid, Muhammad bin Hassan. (1978 AD). *Jamharat Al-Lughah*. Beirut: Dar al-Ilm lil-Malayin.
- Ibn Hanbal, Ahmad. (1412 AH). *Musnad*. Beirut: Dar Ihya' Al-Turaht Al-Arabi.
- Ibn Manzur, Muhammad. (1405 AH). *Lisan Al-Arab*. Qom: Nashr Adab Al-Hawza.
- Jafari, Behzad. (1381 AH). *Translation of Al-Ihtijaj*. Tehran: Islamiya Publications.
- Sadeghi Tehrani, Muhammad (1406 AH). *Al-Furqan fi Tafsir al-Qur'an bi al-Qur'an wa al-Sunnah*. Qom: Farhang Islami.
- Tabatabaei, Muhammad Hussein. (1417 AH). *Al-Mizan fi tafsir al-Qur'an*. Qom: Islamic Publications Office of the Qom Seminary Teachers' Association. Fifth Edition.
- Tabatabaei, Muhammad Hussein. (n.d.). *Social Relations in Islam*. Tehran: Azadi Publications.

| Extended Abstract |

An Analytical Study on the Lady Fatima's Quotations from the Social Verses of the Qur'an in the Fadakiyyah Sermon

Asgar Tahmasbi Baldaji

Research Objective

The purpose of this research is to study the quotations of Lady Fatima Al-Zahra (AS) from the Social Verses of the Quran, in such a way that the quotations related to the social verses are extracted and, while typifying them, it is explained and analyzed interpretively. In other words, it is not just referring to a certain quotation, but in addition to referring to it, the reason for the quotation is also analyzed and examined so that the reader can see this important point that even the smallest quotation in this holy sermon is based on reason, logic, and the extensive knowledge of the utterer of the sermon. On the other hand, the approach of these quotations is analyzed, which is the pathology of the Islamic society with a focus on the deviations that occurred after the demise of the Prophet (PBUH); As the teleology of Quranic quotations in explaining the characteristics of a righteous and divine society is another important goal of this research, which can be used to try to establish a faith-based society.

Research Method

This research has analyzed and examined the quotations of Lady Fatima (AS) from the social verses of the Quran using a descriptive-analytical method of the library type with an emphasis on the Fadakiyyah sermon. Lady Fatima has dealt with these deviations by quoting verses from the Qur'an with two negative and positive approaches. In the negative approach, she states examples of deviations in the Islamic society and explains examples of these deviations to people by quoting verses from the Qur'an. In the positive approach, she points out the characteristics of a desirable faith-based society and explains its examples by quoting verses from the Qur'an so that people can follow it.

Research Findings

In the Fadakiyyah sermon, Lady Fatimah, with numerous quotes from the Qur'an, emphasized the most important verses related to the Islamic society, addressed the reform of values and the fight against social deviations in four approaches. In the first approach, she explained social monotheism, meaning that believers must submit to God in all circumstances. In the approach of confronting social deviations, she has referred to the deviations that occurred after the Prophet's decease and warned people against these deviations. In the third approach, by presenting faith models in society after the Prophet's decease, she made people aware of the Prophet's struggles and the need to follow his example. She also reminded them of the position of his household in the order and cohesion of society. And in the fourth approach, she expressed the characteristics of a desirable faith society in various dimensions.

Conclusion

Lady Fatimah addresses the social issues of the Islamic society by quoting verses from the Qur'an in several aspects. In the first aspect, she points to the truth of social monotheism and explains the truth of Islam, and forbids people from the superficial religiosity that is only verbal, and in this regard, she points out that true Islam manifests itself in all individual and social dimensions of the believers. In the second aspect, Lady Fatima deals with confronting the social harms that occurred after the Prophet's demise and warns people against them. In fact, Lady Fatima, by making thematic similarities between the deviations after and before his demise, makes people perceptibly and objectively familiar with the harms that occurred so that they can confront those deviations.

Fitnah and apostasy in Islamic society and breaking the covenant of Islamic standards are among the harms that she refers to. In the third aspect, Fatima (AS) refers to the model strategy. In this regard, she refers to the Prophet's struggles and the importance of his mission in building an Islamic society and fighting polytheism and idolatry.

By partially and variedly quoting these verses of the Quran, she expresses the Prophet's mission of building a society and purifying it from harm and deviations. By mentioning this, she draws the people's attention to the Prophet's character, which is emphasized in the Qur'an. At last but not least, she refers to the characteristics of the exaltation and prosperity of society and expresses their importance and purpose for the health and prosperity of society. Fatima Al-Zahra (AS) quotes the most important social topics of the Qur'an in this regard and also expresses them in her own words, in a concise manner.

KEYWORDS: Social Verses, Lady Fatima, Fadakiyyah Sermon, Islamic Society.